اتاق فکر شرق

پاسخ‌های محمدرضا تاجیک به «شرق»

## سیاست از لحظه‌ای آغاز می‌شود که کثرت به رسمیت شناخته می‌شود

**شرق: داستان «وحدت» داستان تازه‌ای نیست. از همان نخستین روزهای پیروزی انقلاب، روزنامه‌ها، مجلات و تریبون‌های رسمی پر بود از «شعار وحدت»، وحدت کلمه مومنان، وحدت نیروهای انقلاب علیه ضدانقلاب، وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت در برابر امپریالیسم... طی روزها هم سخن از وحدت سکه رایج است. از وحدت اصلاح‌طلبان تا وحدت اصولگرایان و از وحدت داخلی در برابر فشارهای جهانی تا تشکیل دولت وحدت ملی همگان از وحدت سخن می‌گویند و هر کسی از ظن خود یار این مفهوم می‌شود. این روزها که انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک است اصلاح‌طلبان هر طیف سخنی دارند، برخی به واسطه اتفاقات سال ۸۸، شرایط را مساعد نقش‌آفرینی جدی در عرصه انتخابات آینده نمی‌بینند و اما برخی دیگر نه تنها خود را برای رقابت با رقیب اصولگرا که برای پوشیدن ردای ریاست‌جمهوری آماده می‌کنند. آیا این تفرق باید به سود وحدت کنار گذاشته شود و وحدت رویه‌ای شکل بگیرد یا این انتخابات پوم‌القملی خواهد بود تا اصل از بدل جدا شود و مواضع روشن‌تر به مردم ارایه شود. این پرسش‌ها را با دکتر محمدرضا تاجیک استاد دانشگاه و مشاور سیاسی رییس دولت اصلاحات در میان گذاشتیم و از او خواستیم به این ابهام پاسخ دهد که به راستی وحدت و واژه دیگری که بسیار همراه آن می‌آید یعنی کثرت چه جایگاهی در سیاست دارند. آیا وحدت در همه حال بر اختلاف رویه و جدایی برتری دارد یا جدایی و کثرت هم می‌تواند نتایج متینی به بار آورد. پاسخ مکتوب تاجیک به این پرسش‌ها در پی می‌آید**

نخست بگویم، مشکل «فصل» و مساله «وصل» در ایران امروز، بیش از آنکه دل‌آشوبه مردم باشد، دغدغه تکنیکی و تاکتیکی بازیگران عرصه قدرت و سیاست است. ایران، این سرزمین هویت‌های متمایز و متکثر (با به تعبیر دلوز، هویت‌های ریزوم‌وار)، در درازای تاریخ دیرینه و پرفرازونشیب خود، بارها در معرض هجمه‌های بنیان‌برانداز خارجی و ستیزش‌های شالوده‌شکن داخلی قرار گرفته و هر بار همچون ققنوس از خاکستر خود برخاسته است. در هنگامه این فرازها و فرودهای تاریخی، دولت‌های بسیاری آمده و رفته‌اند، اما ایران و ایرانی چه برنده بوده و چه بازنده، در هر حال تینده بوده؛ می‌رفته و بازمی‌گشته. حرکت مارپیچی می‌کرده، دم فرومی‌بسته و از نو به پا آمده، صبر بسیار کرده و تب و تاب بسیار. به دیگر سخن، ایران و ایرانی در همواره تاریخ خود از تکثر و تنوع‌های قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی خود کیمیا و سیمیایی برای ایران و ایرانی بافی ماندن خود ساخته است.

دم بگویم، بعد، قلبتی سیاست همان جزو سازنده امر سیاسی است. با بیانی آرایا بیانی، سیاست از همان لحظه‌ای که غایات متکثر و متفاوت با هم برخورد می‌کنند (آنتاگونیسمی یا آگونیستی) آغاز می‌شود به سخن دیگر، سیاست از زمانی یا صورت و سیرت راستین خود متولد می‌شود که انسان‌ها اراده می‌کنند که به رسمیت شناختن گوناگونی و تکثر، از وضعیت طبیعی (وضعیتی که در آن جنگ همه علیه همه حکم‌فرماست و انسان گرگ انسان تعریف می‌شود)، خارج شوند و در پرتو نظم و قانون، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. به مفاهیم و مصالح ملی بیندیشند و برای متحقق کردن این منافع، رقابت و چالش‌های قاعده‌مند خود را سامان دهند.

سوم بگویم، وحدت اینها نه در تعامل و تشابه با «دیگری»، بلکه گاه در تعارض و تقابل با «او (غیر) شکل می‌گیرد. چنین در اینجا به مثال یک پدیده یا چیزی بیرون از آن اشاره دارد که نقش اساسی در هویت‌بخشی و تعیین آن پدیده ایفا می‌کند. لاکلائو، مفهوم بیرون‌سازنده (constitutive outside) را برای توضیح ویژگی‌های غیریت به کار می‌برد و هویت را در چنین شکل‌گیری مبهم و تنیده معنی بر لوح وجود «غیر» تاکید می‌کند. البته، «غیر» یا «دگر»، همواره کنشی دوسویه دارد، از یکسو، مانع عینیت و تثبیت وجود و هویت همی و از سوی دیگر، سازنده وحدت و عامل انسجام گفتمانی است. به بیان دیگر، گاه وحدت‌ها در پرتو یک «فقدان» کلی سیاسی با منشأ کلی می‌گیرد. فقدان کلی سیاسی، در واقع، همان «غیرمنترک» است که هویت‌های متکثر و متمایز اجتماعی - سیاسی را به یکدیگر پیوند داده و زنجیره‌های همارزی میان آنان ایجاد کرده است.

چهارم، به‌عنوان نتیجه بگویم که امروز تنها صورتی از وحدت پذیرفته شده است که ناقض سیاست نباشد و تنها صورتی از سیاست امکان و استعداد اسطیرای شدن را دارد که ناقض کثرت نباشد. وحدت‌های گرد هیگام زدایی، مدیریتی و پوپولیستی می‌تواند به گونه‌ای که در آنجایی برای گزاره‌های سرکش و واژه‌های بازیگوش و صداهای ناهمخوان باقی نماند، مفاهیم سیاسی، یک معنا را بازمینی کند، غرصه سیاست تنها یک صدا را بزوگ دهد، بازی‌های زنانی سیاسی، از قواعدی واحد پیروی کنند، بازی‌ها و بازیگران سیاسی متفاوت، امکان رقابت با یکدیگر را نداشته باشند، حاصل نمی‌شود. اما گاه به اقتضای شرایط سیاسی ایجاد نوعی قاعده‌مندی در پراکندگی و کثرت و ایجاد نوعی زنجیره همارزی میتوان عقلانی می‌نماید. در این حالت، اگرچه حضور یک نقطه گرهی منفی و سلبی برای ایجاد نوعی ائتلاف کافی است، اما تجربه به ما می‌گوید که این نوع ائتلاف‌ها از ماهیتی کاملا ناتکنیکی برخوردارند و در غیاب آن «ترون‌سازنده» در سرآیینی تند شقاق و فولی (همدزدا از نوع آنتاگونیستی) فرار می‌کیند. بنابراین به حکم همان ضرورت عقلی باید این گره را یا گره دیگری (از جنس و نوع ایجابی) محکوتر کرد. باید در مورد آنچه قرار است در فردای پیروزی (حذف گرد مشترک) متحقق شود با هم گفتوگو داشت و به اجماع رسید. باید افزون بر اقتضائات تاکتیکی ائتلاف راجع به ملزومات استراتژیک آن هم صحبت کرد. باید فراتر از ائتلاف سیاسی دوباره ائتلاف گفتمانی و اندیشگی و منشی و روشی نیز هم‌اندیشی داشت.

به‌عنوان یک اصلاح‌طلب، به نظر من تنها ائتلاف و وحدتی در درون خانواده قوای اصلاح‌طلبان موافقم و با به اتر ائتلاف و وحدتی با جریان و گروه‌های سیاسی غیراصلاح‌طلب هم به حکم تحلیل و هم به حکم تجربه، ضرورتی در وحدت اصلاح‌طلبان پیرامون یک تاکتیک در شرایط کنونی نمی‌بینم (اگرچه عملا نیز چنین وحدتی را اساسا ناممکن می‌دانم). امکان ایجاد یک ائتلاف با جریان‌های غیراصلاح‌طلب بر مبنای یک «غیرمنترک» یا یک «همدی تاکتیکی مشترک» را نیز اگرچه مبنی می‌دانم، اما به صلاح اصلاح‌طلبان نمی‌دانم. امیدوارم در یک مجال مناسب‌تر در این زمینه بیشتر صریح‌تر و روشن‌تر توضیح دهم.

از نگاه بیرون

## دعوت‌نامه‌ای که حاشیه‌ساز شد

● شاید تا پیش از مرداد سال ۸۹ رسانه‌های انگشت‌شماری بودند که فعالیت‌های شورای‌عالی ایرانیان برایشان جالب‌توجه بود اما پس از این تاریخ به دلیل برگزاری دومین همایش ایرانیان خارج که با هزینه‌های هنگفت و حاشیه‌هایی همچون رفت و آمد برخی افراد در این همایش همراه شده بود این شورا در صدر اخبار قرار گرفت. موضوع دعوت اسفندیار رحیم‌مشایی از هوشنگ امیراحمدی برای شرکت در همایش ایرانیان خارج از کشور از جمله این موضوعات بود که در رسانه‌ها مطرح شد. در پی تکذیب دعوت رسمی از هوشنگ امیراحمدی، روزنامه کیهان اقدام به انتشار دعوتنامه متاسفی از او کرد.

کیهان قبل از ورود هوشنگ امیراحمدی خبر دعوت وی از سوی مسوولان همایش را در اختیار داشته است. این روزنامه مدعی شد: «خبرهای از دعوتنامه‌ای که دبیرخانه همایش در تاریخ ۲ ژوئیه ۲۰۱۰-۱۶ تیرماه ۱۳۸۹ - از طریق ای‌میل برای هوشنگ امیراحمدی ارسال شده بود را در اختیار داشتیم ولی ترجیح دادیم تا پایان همایش از انتشار آن خودداری کنیم اما، اکنون که آقای مشایی دعوت از وی را انکار می‌کند، متن دعوتنامه را برای ارزیابی میزان صداقت و راستگویی آقایان به دست چاپ می‌سپاریم»

کیهان نوشت «گفتنی است مشایی در مصاحبه‌ای بی‌آنکه متوجه باشد به انگیزه اصلی دعوت از هوشنگ امیراحمدی اشاره کرده است که تلفن‌آور و به شدت سوال‌برانگیز است و در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت و همچنین، درباره تلاش دستاندرکاران همایش برای جلوگیری از خبر دعوت از هوشنگ امیراحمدی و توصیه به وی که در همایش آغائی نشود - که شد!-»

کیهان سپس متن ای‌میل را چاپ کرد. مشایی گفته بود کسانی که امیراحمدی را دعوت کردند قصد دارند علیه رییس‌جمهوری، جنگ روانی راه بیندازند.

از سوی دیگر روزنامه کیهان در خبری نوشت «هوشنگ امیراحمدی، رییس شورای آمریکایی و ایرانیان که مشایی را از نزدیک می‌شناسد، گفت: جنبش اصلاحات به دلایل مختلف در ایران موفق نشد. من فکر می‌کنم که مشایی انتزاعیتری دیگر شده است و ائتلاف ایران در حال استفاده از این فرصت است تا انتخابات بعدی را رقم کند.»

به نوشته گاردین، امیراحمدی در توضیح نظریات رییس‌دفتر احمدی‌نژاد می‌گوید: مشایی می‌گوید که ایرانیان در وهله نخست ایرانی هستند و بعد مسلمان؛ وی که استاد دانشگاه انگلوساکسون است، می‌افزاید: او در حال بازگرداندن غرور ملی ایرانیان است.

رییس‌جمهوری رفت «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» را برعهده دارد و رحیم‌مشایی نیز به عنوان جانشین احمدی‌نژاد در شورا فعالیت می‌کند. همچنین پس از بازداشت «محمد ملک‌زاده» دبیر شورایعالی ایرانیان خارج از کشور و سوق دادن قضایه «پیتم طاهری» سرپرست دبیرخانه شورایعالی ایرانیان را برعهده گرفته است.

ادعای کیهان اما از سوی هوشنگ امیراحمدی نه رد شده و مدعی است در این سال‌ها جمیعه ارتباطی با احمدی‌نژاد و مشایی نداشته است.



### هوشنگ امیراحمدی در گفت‌وگو با «شرق»:

# ارتباطی با احمدی‌نژاد و مشایی نداشتم

عکس: جواد محمدی شرق

**در هفته‌های گذشته سایت‌های خبری و رسانه‌های داخلی خبر از کاندیداتوری هوشنگ امیراحمدی برای انتخابات ریاست‌جمهوری دادند. یمانی ترتیب مصاحبه با اعظم ویسمه موسس شورای ایرانیان و آمریکایان اولین فردی بود که کاندیداتوری در انتخابات آینده را رسما اعلام کرد. امیراحمدی رییس شورای ایرانیان و آمریکایان در بزینتس نیوجرسی آمریکا است. بسیاری معتقدند در چند سال گذشته او واسطه گفت‌وگوهایی با ایران بوده است. موضوعی که خودش تایید نمی‌کند. در این سال‌ها نام هوشنگ امیراحمدی بارها در رسانه‌های ایران به عنوان فردی که برای برقراری رابطه با آمریکا تلاش می‌کرده بوده شده است. گاهی سخن از جلسات خصوصی او با احمدی‌نژاد و استبدار رحیم‌مشایی بوده و گاه خبر از دعوت مشایی و شرکت داوری وارد دولت برای حضور امیراحمدی در نشست شورایعالی ایرانیان!**

**هرچه بود نام او با حاشیه همراه بوده و رسانه‌های اصولگرایان او را در این سال‌ها متهم کردند. روزنامه کیهان او را «دلال رابطه با آمریکا» می‌نامد و سایت‌های اصولگرا او را به عنوان «بازیگر مرموز» یاد کردند. هوشنگ امیراحمدی متولد چهارم فروردین سال ۱۳۳۶ در دهکده‌ای به نام «شیخ‌بیش» در بخشی به نام شادرمن» از شهرستان تالش در استان گیلان است. او دبیاره ترک ایران و تصمیم به زندگی در آمریکا می‌گوید: «اوایل سال ۵۴ بود. مستقیم به دالاس رفتم. در آمریکا شروع به یاد گرفتن انگلیسی کردم. در همان پنج، شش ماه اول شاگرد اول شدم. دانشگاه مرا مجانی پذیرفت و فوق‌لیسانس در مدیریت صنعتی گرفتم. بعد رفتم به دانشگاه کرنل که جزو هشت دانشگاه برتر دنیا است. در آنجا وارد دوره دکترا شدم. وقتی وارد دانشگاه شدم (در دوره دکترا) انقلاب تازه‌داری شروع شده بود. سال دوم دانشگاه بودم که انقلاب پیروز شد. سال ۱۹۸۶ به ایران برگشتم. با دعوت آقای مهندس مدنی جمران سه بار در سه کنفرانس بازسازی، در سه سال پشت سرهم به ایران آمدم. بعد از آن با دعوت کنفرانس‌های دفاع مقدس چندبار و بعد هم به دعوت وزارت امور خارجه چند باری به ایران آمدم...»**

**اما آخرین باری که به ایران سفر کرد تیرماه گذشته بود که به همراه خانواده‌اش به تهران آمد و به این نتیجه رسید که در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کند. هرگونه رابطه با دولت احمدی‌نژاد و شخص مشایی را تکذیب کرد و به خلاف انتظار، انتقادات صریحی هم به عملکرد این دولت در بحث سیاست خارجی وارد می‌کند و معتقد است: «متاسفانه آنچه را که رییس دولت نهم و دهم «کاغذپاره» می‌نامید، امروز توسط شخص خودشان به عنوان علل اصلی گرفتاری‌های اقتصاد کشور قلمداد می‌شوند.**

**امیراحمدی در این گفت‌وگو همچنین هرگونه ارتباط با دولت احمدی‌نژاد و استبدار رحیم‌مشایی را رد کرده و می‌گوید: «من هیچ ارتباط خاص و برنامه‌ریزی‌شده‌ای با افراد دولت آقای احمدی‌نژاد نداشتم. تنها در چند دیدار دو ساعته در زمان حضور نماینده‌گان جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سالانه سازمان ملل شخص آقای احمدی‌نژاد و همراهان ایشان را ملاقات کردم.»**

**شورای ایرانیان و آمریکایان نهادی مستقل و غیردولتی بوده و هیچ ارتباط یا همکاری‌ای با شورایعالی ایرانیان خارج از کشور که اخیرا توسط دولت تاسیس شده است، نداشته است. یک‌بار به عنوان یکی از ایرانیان متخصص، نه از سوی آقای مشایی بلکه از طرف شورایعالی ایرانیان خارج از کشور، به کنفرانس این شورا در تهران شدم**

دولت نهم و دهم البته خدمات زیادی داشته‌اند اما در این دوره اشتباهات زیادی نیز صورت گرفته است که این دولت به این نتیجه رسید که در نتیجه این دولت نهم و دهم زیادی را به این دو دولت وارد می‌دانم. متاسفانه آنچه را که رییس دولت نهم و دهم «کاغذ پاره» می‌نامید، امروز توسط شخص خودشان به عنوان علل اصلی گرفتاری‌های اقتصادی کشور قلمداد می‌شوند.

**با توجه به این انتقادات برنامه شما برای حل این مشکلات چه خواهد بود؟**

محور برنامه‌های انتخابات بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم است. برای این منظور باید تنش ایران با غرب کاهش پیدا کند. برای کاهش تنش اضطراری لازم است. انجتاب سیاست اعتمادسازی غرب را با شورای امنیت سازمان ملل که پرونده هسته‌ای ایران را در اختیار گرفته آغاز می‌کنم. نخستین کار بازگرداندن پرونده هسته‌ای ما از سازمان ملل به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با حفظ حق غنی‌سازی برای ایران است. این امر از طریق همکاری با آژانس و اعتمادسازی با اعضای دایمی شورای امنیت میسر است. گام بعدی کاهش تنش با آمریکا، اروپا و برخی کشورهای اسلامی و همسایگان است. مرمت و بهبود رابطه با سازمان ملل و آمریکا باید در اولویت سیاست خارجی کشور قرار گیرد. تاکید می‌کنم که خط قرمز من با خط سازشی که این روزها صیاطان طنین انداخته یکی نیست. خط قرمز من بر مصالحه قدرتمندانه، بر مبنای منافع ملی و امنیت ایران و بر چارچوب عزت و اقتدار کشور است.

برای نمونه برنامه خارجه وقت کرده‌ام که آمریکا خاتم ماداین آلبرایت، بر اثر مجادلات طولانی و روشنگرانه در جلسه‌ای که شورای ایرانیان و آمریکایان تحت مدیریت من تشکیل داده بود، برای نخستین‌بار، از شرکت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد از مردم ایران پوزش خواست و بلافاصله رابطه دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی من را به عنوان یک فرد «سالمار» می‌نامیدند بلکه «سالمار کل» می‌دانند. این امر البته طبیعی می‌نماید چون من در این دوره سی و چند ساله هرگز نقشی رسمی در سیاست‌ها و عملکردها نداشتم. در همین حال هم بیش از دو دهه است که من در کار داشتن تنش و مصالحه با عزت بین ایران و آمریکا تلاش کرده‌ام.

**برخی رسانه‌های اصولگرا در داخل ایران شما را به عنوان رابط آقای مشایی و غرب وانمود به ایشان برای تلاش در برقراری رابطه با آمریکا می‌دانند. درخصوص روابط خود با آقای مشایی و این ادعاها توضیح دهید؟**

این ادعاها کاملا بی‌اساس است. متاسفانه فرهنگ سیاسی در ایران به شکلی است که هیچ ملاقات خصوصی با آقای احمدی‌نژاد و دیگر اعضای دولت نداشته‌ام.

**شما مدعیا رییسگری موضوعی خاص مثلا ایجاد رابطه با آمریکا در این سال‌ها بوده‌اید؟**

خیر من هرگز ماموریت یا مسوولیت دولتی و رسمی در این رابطه نداشته‌ام. گفته‌ها و فعالیت‌های من صرفا به اینکار خلاصه نمی‌شود.

**در دولت‌های گذشته چطور؟ آیا شما هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از طرف دولت‌ها در ایران برای پیگیری مسائل در آمریکا برعهده داشته‌اید؟**

همان‌طور که در سوالات پیشین تصریح کردم، من هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از طرف هیچ‌یک از دولت‌های جمهوری اسلامی برای ارتباط با آمریکایان را نداشته‌ام. همه فعالیت‌ها و گفته‌هایم کلا در سایت اینکار خلاصه می‌شود است.

**آیا از سوی دولت آمریکا چطور؟ آیا هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از سوی آن دولت در رابطه با ایران داشته‌اید؟**

خیر؛ هیچ‌گاه مسوولیتی از سوی دولت‌های آمریکا نیز نداشته‌ام به طور کلی نظرات و فعالیت‌هایم به اینکار خلاصه می‌شود است.

**از سال‌های اخیر عمده فعالیت شما در حوزه سیاسی صرف چه کارهایی شده است؟**

بطور خلاصه می‌توان گفت که مطالعه علمی و پژوهش در دو حوزه اقتصاد سیاسی ایران و روابط خارجی کشور و نیز جستجو برای یافتن راهبردهای موثر در این دو حوزه عمده‌ترین فعالیت‌های مرا تشکیل داده است که نتایج آن را در بیش از ۳۰ جلد کتاب و صدها مقاله انتشار داده‌ام.

**فعالیت‌های خود در انجمن ارتباط آمریکایان و ایرانیان را توضیح دهید؟**

نام درست این نهاد شورای ایرانیان و آمریکایان است که من موسس و مدیر آن بوده‌ام این شورا به اختصار در چهار دهه گذشته در مقابل و ملت و ملت و ایجاد جایگاهی برای گفت‌وگوهای سالم میان آنها به وجود آمد. این شورا در طول این سال‌ها کنفرانس‌های علمی زیادی برگزار کرده است. همچنین با تولید، انتشار و توزیع کتاب و مقاله و نیز مبادلات برنامه‌های دانشگاهی فعالیت‌های متعددی را پیش برده بطوری که می‌توان گفت هیچ نهاد دانشگاهی و غیردولتی دیگری در آمریکا به اندازه این شورا خدمات علمی لازم نکرده است. از جمله فعالیت‌های شورا گرفتن عذرخواهی رسمی از سوی دولت وقت آمریکا برای طراحی و مشارکت در کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت ملی دکتر مصدق است. البته فهرست خدمات این شورا بسیار طولانی است و من در اینجا می‌خواهم با اقتدار یادآوری کنم که شخص انجتاب و شورا در تمامی زمان‌ها و در همه حال مخالف هر نوع تحریم و تهدید و قطعنامه‌های علیه دولت و ملت ایران بوده و در آینده نیز همین‌ام را داده خواهد داشت.

**هدف از راه‌اندازی این شورا چه بود؟**

شورای ایرانیان و آمریکایان یک نهاد مردمی و غیردولتی است. هدف شورا هیچ‌گاه در جهت برقراری رابطه بین آمریکا و ایران نبوده چرا که این کار به دولت‌ها مربوط می‌شود. این شورا از ابتدای تاسیس تاکنون برای درک بهتر هر دو ملت و دولت ایران و آمریکا از یکدیگر کوشیده است. از دیگر اهداف این شورا تصحیح و بهینه‌سازی تصویر ایران برای آمریکایان بوده که بیش از سه دهه شورا سیاستمداران آن کشور و دیگر نیروهای ضدایرانی غربی تخریب شده است. شورا همچنین با سیاست‌های غلط آمریکا علیه ایران مبارزه کرده و برای تصحیح آنها دایما کوشیده است.

**شما از طرف آقای مشایی به نشست شورایعالی ایرانیان خارج از کشور دعوت شدید. انجمن شما در این سال‌ها با شورایعالی ایرانیان خارج از کشور چه ارتباطی و همکاری‌های مشترکی داشته است؟**

همان‌طور که ذکر شد شورای ایرانیان و آمریکایان نهادی مستقل و غیردولتی بوده و هیچ ارتباط یا همکاری‌ای با شورایعالی ایرانیان خارج از کشور که اخیرا توسط دولت جمهوری اسلامی تاسیس شده، نداشته است. ارتباط یک‌بار به عنوان یکی از ایرانیان متخصص، نه از سوی آقای مشایی بلکه از طرف شورایعالی ایرانیان خارج از کشور به کنفرانس این شورا در تهران دعوت شدم. در آن یکبار نیز به دلیل اختلافی که به این شورا شده بود، آن دعوت را اجابت نکرده و در کنفرانس مذکور شرکت نکردم. بنابراین تصریح می‌کنم که در هیچ‌گونه از فعالیت‌های شورایعالی ایرانیان خارج از کشور اینا نقشی نداشته و مشارکت نکرده‌ام.

**شما در هفته گذشته سایت‌های خبری و رسانه‌های داخلی خبر از کاندیداتوری هوشنگ امیراحمدی برای انتخابات ریاست‌جمهوری دادند. یمانی ترتیب مصاحبه با اعظم ویسمه موسس شورای ایرانیان و آمریکایان اولین فردی بود که کاندیداتوری در انتخابات آینده را رسما اعلام کرد. امیراحمدی رییس شورای ایرانیان و آمریکایان در بزینتس نیوجرسی آمریکا است. بسیاری معتقدند در چند سال گذشته او واسطه گفت‌وگوهایی با ایران بوده است. موضوعی که خودش تایید نمی‌کند. در این سال‌ها نام هوشنگ امیراحمدی بارها در رسانه‌های ایران به عنوان فردی که برای برقراری رابطه با آمریکا تلاش می‌کرده بوده شده است. گاهی سخن از جلسات خصوصی او با احمدی‌نژاد و استبدار رحیم‌مشایی بوده و گاه خبر از دعوت مشایی و شرکت داوری وارد دولت برای حضور امیراحمدی در نشست شورایعالی ایرانیان!**

**هرچه بود نام او با حاشیه همراه بوده و رسانه‌های اصولگرایان او را در این سال‌ها متهم کردند. روزنامه کیهان او را «دلال رابطه با آمریکا» می‌نامد و سایت‌های اصولگرا او را به عنوان «بازیگر مرموز» یاد کردند. هوشنگ امیراحمدی متولد چهارم فروردین سال ۱۳۳۶ در دهکده‌ای به نام «شیخ‌بیش» در بخشی به نام شادرمن» از شهرستان تالش در استان گیلان است. او درباره ترک ایران و تصمیم به زندگی در آمریکا می‌گوید: «اوایل سال ۵۴ بود. مستقیم به دالاس رفتم. در آمریکا شروع به یاد گرفتن انگلیسی کردم. در همان پنج،**

اعظم ویسمه

**شورای ایرانیان و آمریکایان نهادی مستقل و غیردولتی بوده و هیچ ارتباط یا همکاری‌ای با شورایعالی ایرانیان خارج از کشور که اخیرا توسط دولت تاسیس شده است، نداشته است. یک‌بار به عنوان یکی از ایرانیان متخصص، نه از سوی آقای مشایی بلکه از طرف شورایعالی ایرانیان خارج از کشور، به کنفرانس این شورا در تهران شدم**

**با توجه به این انتقادات برنامه شما برای حل این مشکلات چه خواهد بود؟**

محور برنامه‌های انتخابات بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم است. برای این منظور باید تنش ایران با غرب کاهش پیدا کند. برای کاهش تنش اضطراری لازم است. انجتاب سیاست اعتمادسازی غرب را با شورای امنیت سازمان ملل که پرونده هسته‌ای ایران را در اختیار گرفته آغاز می‌کنم. نخستین کار بازگرداندن پرونده هسته‌ای ما از سازمان ملل به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با حفظ حق غنی‌سازی برای ایران است. این امر از طریق همکاری با آژانس و اعتمادسازی با اعضای دایمی شورای امنیت میسر است. گام بعدی کاهش تنش با آمریکا، اروپا و برخی کشورهای اسلامی و همسایگان است. مرمت و بهبود رابطه با سازمان ملل و آمریکا باید در اولویت سیاست خارجی کشور قرار گیرد. تاکید می‌کنم که خط قرمز من با خط سازشی که این روزها صیاطان طنین انداخته یکی نیست. خط قرمز من بر مصالحه قدرتمندانه، بر مبنای منافع ملی و امنیت ایران و بر چارچوب عزت و اقتدار کشور است.

**شما مدعیا رییسگری موضوعی خاص مثلا ایجاد رابطه با آمریکا در این سال‌ها بوده‌اید؟**

خیر من هرگز ماموریت یا مسوولیت دولتی و رسمی در این رابطه نداشته‌ام. گفته‌ها و فعالیت‌های من صرفا به اینکار خلاصه نمی‌شود.

**در دولت‌های گذشته چطور؟ آیا شما هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از طرف دولت‌ها در ایران برای پیگیری مسائل در آمریکا برعهده داشته‌اید؟**

همان‌طور که در سوالات پیشین تصریح کردم، من هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از طرف هیچ‌یک از دولت‌های جمهوری اسلامی برای ارتباط با آمریکایان را نداشته‌ام. همه فعالیت‌ها و گفته‌هایم کلا در سایت اینکار خلاصه می‌شود است.

**آیا از سوی دولت آمریکا چطور؟ آیا هیچ‌گاه مسوولیت رسمی از سوی آن دولت در رابطه با ایران داشته‌اید؟**

خیر؛ هیچ‌گاه مسوولیتی از سوی دولت‌های آمریکا نیز نداشته‌ام به طور کلی نظرات و فعالیت‌هایم به اینکار خلاصه می‌شود است.

**از سال‌های اخیر عمده فعالیت شما در حوزه سیاسی صرف چه کارهایی شده است؟**

بطور خلاصه می‌توان گفت که مطالعه علمی و پژوهش در دو حوزه اقتصاد سیاسی ایران و روابط خارجی کشور و نیز جستجو برای یافتن راهبردهای موثر در این دو حوزه عمده‌ترین فعالیت‌های مرا تشکیل داده است که نتایج آن را در بیش از ۳۰ جلد کتاب و صدها مقاله انتشار داده‌ام.

**فعالیت‌های خود در انجمن ارتباط آمریکایان و ایرانیان را توضیح دهید؟**

نام درست این نهاد شورای ایرانیان و آمریکایان است که من موسس و مدیر آن بوده‌ام این شورا به اختصار در چهار دهه گذشته در مقابل و ملت و ملت و ایجاد جایگاهی برای گفت‌وگوهای سالم میان آنها به وجود آمد. این شورا در طول این سال‌ها کنفرانس‌های علمی زیادی برگزار کرده است. همچنین با تولید، انتشار و توزیع کتاب و مقاله و نیز مبادلات برنامه‌های دانشگاهی فعالیت‌های متعددی را پیش برده بطوری که می‌توان

**شما زمانی اقدام به راه‌اندازی شورای ایرانیان و آمریکایان کردید که این مساله در جمهوری اسلامی ایران هنوز «تابو» بود. فکر نمی‌کنید همین موضوع عامل رد صلاحیت شما باشد؟**

**پیش از این هم یک دوره تمایل به حضور در انتخابات داشتید که رد صلاحیت شدید. دلیل رد صلاحیت در آن دوره چه بود؟**

دلیل رد صلاحیت من در آن دوره به من ابلاغ نشد. با این وجود من این قصور را می‌پذیرم که تلقی سکفی در جهت معرفی شخصی و ارایه برنامه انتخاباتی خود به ملت ایران مبذول ندانستم. این در حالی بود که متاسفانه عده‌ای با سر جیغ با شیاد از روی بدخواهی و سقوط در ورطه اولویت سیاست‌ورزی به منافع کوتاهمدت جناحی در تخریب انتخابی بسیار کوشیدند. این مساله را هم توضیح بدهم که در سال ۱۳۸۶ (انتخابات ریاست‌جمهوری) که انجتاب کاندیدا شدم، بخشی از ایرانیان سیاسی ازجمله «روشنفکران سیاسی» آن انتخابات را تحریم کردند و من مخالف تحریم بودم. اعتقاد داشتم از انتخابات یک نقطه عطف در تاریخ جمهوری اسلامی خواهد بود. یک اینکه نام من در تاریخ جزو آن تحریم‌کنندگان ثبت نشود و می‌دانم مانده به انتخابات، خودم را کاندیدا کردم.

**در این خصوص شاهکار زمانی به شورای نگهبان نوشته‌اید؟ در آن نامه چه مسایلی را مطرح کردید؟**

در نامه سرگشاده خود به شورای محترم نگهبان مطرح کرد که تردید دارم به علت ضبط وقت و جود کلیدواژه‌های زیاد ریاست‌جمهوری، آن شورا مجال بررسی دقیق درخواست انتخاباتی را داشته است. همچنین نقاشی کرد که آن شورا علل رد صلاحیت به انجتاب اعلام کند تا خودم آیا برای دوره‌های بعد تصحیح را داشته کنم. در نامه به سخنان مقام معظم رهبری نیز اشاره کردم که فرموده بودند: «باید همه افراد کشور از صاحبان سالگ گوناگون سیاسی بتوانند فرصت و مجال حضور در آزمایش طرح کرتختایت را بیابند.» اما بخش اساسی نامه من به این امر اختصاص یافته بود که در صورت تایید رییس‌جمهور شخص چند برنامه‌هایی را اجرا کرده می‌شد و بخشی از این برنامه را تشریح کرده بودم. بالاخره در اینگونه نامه به شورا اطمینان می‌دادم که در صلاحیت است که دولت آقای احمدی‌نژاد در مواقعی بعطور جدی سعی به تشریح‌زدایی کرد و ازجمله در حرکت نامغوسی‌های خود با تبریک گفتن به آقای اوباما برای انتخاب رییس‌جمهوری ریاست.

**به نظر شما کدام‌یک از دولت‌های پیشین اقدام جدی‌تری برای حل برقراری رابطه با آمریکا داشته‌اند؟**

قانون مدنی جمهوری اسلامی اصولا تابعیت دوگانه را به رسمیت نمی‌شناسد. انجتاب همواره به عنوان شهروند ایرانی، در همه انتخابات گذشته شرکت کرده و رای داده‌ام. اکنون نیز در شکل نامزدی برای ریاست‌جمهوری، در انتخابات شرکت می‌کنم و از طرح وظیفه شهروندی خود را به این صورت ادا می‌کنم. اما متاکی که از قانون‌گزیری بزرگترین سالن اجلاس در جزیره کیش برگزار شود. بر همین اساس پروژه ساخت بزرگترین سالن اجلاس در جزیره کیش به منظور برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در سال ۲۰۱۲ در منطقه آزاد کیش را برعهده دارد.

ابتدا قرار بود اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد در سال ۲۰۱۲ به میزبانی جمهوری اسلامی ایران در جزیره کیش برگزار شود. بر همین اساس پروژه ساخت بزرگترین سالن اجلاس در جزیره کیش به منظور برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد کلید خورد. گفته شد برای این سالن بیش از ۳۵۰ اتاق به منظور اقامت سران در نظر گرفته شده و سرمایه‌گذاری عظیم دچها میلیاردی در حال انجام است.

برخی سایت‌ها نوشتند «هوشنگ امیراحمدی بعد از ۱۰ سال که ممنوع‌الورود به ایران بود با کمک محمود احمدی‌نژاد به ایران آمد و با برخی مقامات برای برقراری رابطه میان ایران و آمریکا دیدارهایی داشته است.»

در واکنش به این اخبار «اسفندیار رحیم‌مشایی» که سمت رییس‌دفتری احمدی‌نژاد را برعهده داشت و واکنش به خبرنگاری که مدعی بود هوشنگ امیراحمدی دعوتی ۱۷ ساله دارد، با اظهار بی‌اطلاعی از این موضوع گفت: کسانی که خبر دارند هوشنگ امیراحمدی دختر دارد، لابد بهتر می‌دانند و اگر سن او را نیز می‌دانند خیلی عجیب است.

وی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر این‌که گفته می‌شود این اظهارات در دوران دولت وی در دوران واگذاری تاسیس ساختمان جنبش غیرمتعهدها به دختر هوشنگ امیراحمدی در ادامه اتهاماتی است که از طریق برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود، تاکید کرد: اتهام که مفت است! با یک دست خودکار دارند و با یک دست دیگر سیگار که با سیگار خودشان را می‌سوزانند و با خودکار ما را.

وی در پاسخ به این سوال که نوبه شما به کسانی که به شایعات دامن می‌زنید چیست؟ گفت: به باد خواندیشدند.

وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش در مورد ساختمان اجلاس غیرمتعهدها گفت: پیمانکاری که ساختمان اجلاس غیرمتعهدها در کیش به کسی داده نشده است که حالا آن فرد دختر یا پسر باشد یا دختر و پسرچه کسی باشد.